



Examining Environmental Crimes and Appropriate Legal Approaches for Countering Them

Seyed Mohammad Hossein Mirkazmi Mood¹, Askar Jalalian^{2*}, Mohammad Akbari³

1. Department of Law, ZAH.C., Islamic Azad university, Zahedan, Iran
2. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran
3. Department of Law, ZAH.C., Islamic Azad university, Zahedan, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2024/10/27

Revised: 2025/01/15

Accepted: 2025/01/4

Keywords

environment,

environmental protection,
environmental crimes,
environmental treaties.

Corresponding author:

a.jalalian@pnu.ac.ir

Doi: [10.52547/joc.15.59.3](https://doi.org/10.52547/joc.15.59.3)

ORID: [0000-0003-4971-1543](https://orcid.org/0000-0003-4971-1543)

ABSTRACT

Background and Theoretical Foundations: Over time and with technological advancements, humanity has moved away from natural living to an industrial lifestyle. In pursuit of human interests, extensive interventions and alterations have been made to the natural environment. These changes, including soil degradation, deforestation, and the destruction of surface and groundwater bodies and seas, have caused irreversible harm to humans and have put the existence of all living beings at serious risk. Such actions can be considered as examples of criminal behaviors.

Methodology: The primary research question is framed as follows: "What legal measures have been anticipated for environmental crimes?" This study employs a descriptive-analytical method, developed using legal texts and articles.

Findings: In essence, the environment is one of the most critical sectors of society, an inseparable part of human life with a profound impact on it. Although during the 19th and 20th centuries, the drafters of constitutions established certain standards for environmental protection and bilateral or multilateral agreements were concluded with the aim of safeguarding the environment, the reality remains that this area of international law requires a robust global institution.

Conclusion: Such an institution would strengthen the motivation for supporting the international environment and enhance access to effective judicial mechanisms globally. Through this approach, it would pave the way for the further development of international environmental law by issuing beneficial judicial rulings and precedents regarding the environment and its protection, thereby reinforcing its continuous growth..



NUMBER OF TABLES

0



NUMBER OF FIGURES

21



NUMBER OF REFERENCES

0

بررسی جرایم زیست محیطی و راهکارهای مناسب حقوقی مشترک مقابله با آن‌ها

سیدمحمدحسین میرکاظمی مود^۱، عسکر جلالیان^۲، محمد اکبری^۳

۱. گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

پیشینه و مبانی نظری پژوهش: با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی انسان‌ها از زندگی در طبیعت فاصله گرفته و به زندگی صنعتی روی آورده و به دلیل منافع بشر، در محیط زیست دخالت و تغییرات فراوانی در شکل طبیعی محیط زیست ایجاد شده است. این تغییرات ضمن تخریب خاک، نابودی جنگلها، آبهای سطحی و زیر سطحی و دریاها، آسیب‌های جبران ناپذیری به انسانها وارد و حیات تمام موجودات را با خطر جدی مواجه نموده که این اعمال را می‌توان مصداق رفتارهای مجرمانه تلقی نمود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۶

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

روش‌شناسی: سوال اصلی تحقیق اینگونه تعیین گردیده است که «چه راهکارهای حقوقی جهت جرایم زیست محیطی پیش بینی شده است؟» این تحقیق بر روش توصیفی تحلیلی می‌باشد که با استفاده از متون و مقالات حقوقی تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی:

محیط زیست،

حفاظت محیط زیست،

جرایم محیط زیستی،

معاهدات محیط زیستی

یافته‌ها: در واقع محیط زیست یکی از مهمترین بخش های جامعه به شمار می‌رود که جزو لاینفک زندگی انسان‌ها و بخشی تاثیر گذار در آن است. هرچند در قرون ۱۹ و ۲۰ نویسندگان قانون اساسی، ضوابطی را برای حفاظت محیط زیست در نظر گرفته و قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه با هدف حمایت از محیط زیست منعقد نموده‌اند.

نتیجه‌گیری: واقعیت امر این است که این حوزه از حقوق بین الملل، نیازمند یک نهاد مقتدر جهانی است که انگیزه حمایت از محیط زیست بین المللی را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم‌های کارآمد قضایی را در سطح جهانی افزایش دهد و بدین وسیله توسعه حقوق بین الملل محیط زیست را با صدور آراء و رویه‌های قضایی سودمند در زمینه محیط زیست و حفاظت از آن، بیش از پیش هموار ساخته و توسعه روزافزون آن را تثبیت نماید.

انویسنده مسئول

ajalalian@pnu.ac.ir

Doi: 10.52547/joc.15.59.3

ORID: 0000-0003-4971-1543

مقدمه

بررسی کردند. نتایج بیانگر آن بود که مشارکت جامعه مدنی در عرصه محیط زیست از طریق فراهم نمودن دسترسی شهروندان و توانمندسازی آنان و نیز حمایت از سازمان‌های مردم نهاد و جامعه محور توصیه می‌گردد. در مطالعه‌ای اابدی و همکاران، جرایم محیط زیستی در ایران را مورد تجزیه و تحلیل اقتصادی قرار دادند. حیدر زاده و مظفری پیشگیری از جرایم محیط زیستی را به ویژه در حوزه اکوسیستم‌های آبی و منابع آبیان مطالعه کردند. پورهاسمی و همکاران مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم محیط زیستی

را از دیدگاه بین الملل مورد بررسی قرار دادند. [۲]

تحقیقات گذشته بیشتر به دنبال جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جرایم و نیز علل رفتاری آنها بوده‌اند. ولیکن در خصوص انواع و گونه شناسی جرایم محیط زیستی مطالعه‌ای صورت نگرفته است. هدف از انجام این تحقیق، شناسایی و دسته بندی انواع جرایم محیط زیستی طبیعی در کشور است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۱- تعریف محیط زیست

تعریف حقوقی محیط زیست به ترسیم قلمرو موضوع، تعیین اعمال قواعد حقوقی و برقراری حدود مسئولیت در صورت بروز خسارت کمک می‌کند. واژه محیط زیست از کلمه باستانی فرانس باستانی فرانسوی^۱ وی به معنی احاطه کردن، گرفته شده است. با کاربرد موسع واژه احاطه، محیط زیست می‌تواند شامل مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گردد که بر حیات فرد یا اجتماع اثر می‌گذارد. پس مشکلات زیست محیطی می‌تواند شامل گرفتگی ترافیک، جرم و آلودگی صوتی شوند. از نظر جغرافیایی، محیط زیست می‌تواند برای اشاره به ناحیه‌ای محدود و یا اشاره به کل سیاره از جمله هواسپهر^۲ (جو) و پوش سپهر^۳ (ماورا جو) مورد استفاده قرار گیرد. [۲]

نظر به گستره زمینه مورد بحث، در پاره‌ای از شرایط حقوق و سیاست هم به تخریب‌های محیط زیست ناشی از رویدادهای طبیعی مانند فوران‌های آتشفشانی و هم به تخریب‌های ناشی از مداخلات انسانی پاسخ می‌دهند. اگرچه حقوق نمی‌تواند در فرآیندهای طبیعی منتهی به تغییرات زیست محیطی تاثیر گذار باشد اما می‌تواند رفتار انسان را، برای مثال در پاسخ به فجایع طبیعی، قاعده‌مند کند (همانطور که چنین کرده است). در کل، تعاریف موسع و این واقعیت که تمامی فعالیت‌های بشری پیامدی برای محیط زیست به دنبال دارند، تعیین محدوده حقوق محیط زیست را به عنوان یک رشته حقوقی مستقل دشوار می‌کند؛ در واقع این دو نکته یکپارچگی حمایت زیست محیطی را به تمامی حوزه‌های حقوق و سیاست وارد می‌کنند. [۳]

محیط زیست یعنی لایه حیاتی، یعنی بیوسفر، یعنی زمین و هزاران متر در عمق و در ارتفاع، یعنی بقاء و تداوم بقاء، در یک کلام محیط زیست یعنی زندگی. هرگونه تهدید زیست محیطی مستقیماً تهدید زندگی، بقاء و تداوم بقاء است. گفته می‌شود اگر نابودی جنگل‌ها و مراتع کشور با همین روند پیش برود، تا ۵۰ سال آینده تمام جنگل‌های ایران از بین خواهند رفت. در هر ثانیه به وسعت یک زمین فوتبال از جنگل‌های کشور تخریب می‌شوند. مطالعات علمی نشان می‌دهد؛ در یکصد سال اخیر ۸ میلیون هکتار از جنگل‌های کشور نابود شده‌اند. روند بیابان زایی آن قدر پرشتاب است که ایران را جزء ۵ کشور نخست شتابدار بیابان زا در جهان، قرار داده است. چشمه‌های تولید گرد و خاک به شدت در حال افزایش هستند و به تبع آن ذرات معلق ۲/۵ میکرون و ریزتر از آن به سرعت در یک حجم گسترده در حال تولید است. ذراتی که از جدار مویرگ‌ها وارد بدن می‌شوند و به راحتی تولید سرطان خون می‌نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد ایران در فرونشست زمین در کل کره خاکی رکورد دار است. با ۵۴ سانتی متر نشست در سال، یعنی ۱۴۰ برابر شرایط بحرانی اعلامی از سوی سازمان ملل، در مرز تهدید است. فرسایش خاک کشور نیز متأسفانه ۸ برابر متوسط جهانی است و در این عرصه نیز با کمال تأسف ایران رکورد دار جهان است. اگر ۵۰ درصد این ادعاها درست باشد که بالاتر دید درست است، فاجعه بسیار وحشتناک و نگران کننده است. [۱]

ید بشر در طبیعت ید امانی است نه مالکانه: تعریف جدید توسعه عجین است با پایداری. در هیچ عرصه‌ای به توسعه اندیشه نمی‌شود، مگر با ترکیب «توسعه پایدار»؛ توسعه پایدار یعنی تأمین حقوق نسل حاضر با حفظ حقوق نسل‌های آینده. از مهم‌ترین حقوق نسل‌های آینده «حق بر محیط زیست» و برخورداری از محیط زیست سالم است. طبیعت و تمام عوامل و عناصر شکل دهنده آن یعنی آب، خاک، باد، انرژی (نور) باید از هرگونه تعرض غیر اصولی و غیرکارشناسی در امان باشند. لذا از منظر حقوقی «ید بشر در طبیعت ید امانی است نه ید مالکانه»؛ پس در امانتداری نباید کوتاهی کرد. [۲]

گسترده‌گی و تنوع اکوسیستمی از یک سو، ضعف مدیریت و مشکلات اقتصادی و فرهنگی از سوی دیگر به عنوان مهم ترین عوامل بروز جرایم محیط زیستی در جغرافیای طبیعی ایران مطرح هستند. در گذشته برخی مطالعات در خصوص جرایم محیط زیستی در کشور صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به تحقیقات زیر اشاره داشت: اقدام به مطالعه به روی تحلیل پیشگیری از جرایم محیط زیستی در پرتو دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد نمودند. به اعتقاد آنان، عمل به اصول مطروحه در رهنمودهای سازمان ملل متحد با محوریت اصل پیشگیری از ضرر زیستی می‌تواند در پیشگیری از جرایم محیط زیستی یاری رسان باشد. در تحقیقی دیگر حاجی وند و همکاران، مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم محیط زیستی در ایران را

³ Stratosphere

¹ environner

² Atmosphere

طبیعت را جایز می‌شمارد؛ این سلطه شامل صلاحیت بهره برداری و مدیریت منابع جهان به نفع همگان است به نحوی که در صورت ضرورت باید برای کمک به دیگران آمادگی وجود داشته باشد. پس مالکیت فردی بر منابع، مسئولیت و امانتداری را به دنبال دارد.

در سال ۱۹۸۳ کارشناسان مسلمان مطالعه‌ای در مورد ارتباط میان اسلام و حفاظت محیط زیست انجام دادند. نتایج مطالعه مشخص کرد که انسان صرفاً اداره کننده زمین است و نه مالک آن؛ نفع از آن است نه حاکم یا فرمانروای آن. اداره و بهره برداری از زمین میراثی است که به انسان واگذار شده است تا از آن به سود خود و برای نیل به منافع استفاده کند. بنابراین ید او در اختیار گرفتن، نگهداری و حفاظت از زمین امانی می‌باشد و باید در حدود وظایف امین و با صداقت عمل نماید. هر نسل به میزانی حق استفاده از طبیعت دارد که منافع نسل‌های بعدی را ضایع و نقض نکند. پس اصول اسلامی، حفاظت و حمایت از عناصر اساسی طبیعی، حمایت کردن، حفاظت و توسعه محیط زیست و منافع طبیعی را به عنوان تکلیف الزامی مذهبی هر مسلمان در نظر می‌گیرند. یک دادگاه کستانی در قضیه ام. دی طاهر علیه حکومت ایالتی و سایرین در سال ۱۹۹۵ با تحلیل حقوق اسلامی در مورد درخواست صدور ممنوعیت شکار برخی پرندگان و جانوران از دیوان قانون اساسی بر اساس مواد ۱۸ و ۱۹۹ این قانون به این نتیجه رسید که حقوق اسلامی صید و شکار غیر ضرور پرندگان و جانوران را منع می‌کند. دادگاه با این دیدگاه موافقت کرد که صید و شکار غیر ضرور علیه مناهای اسلام و قانون اساسی هستند اما مقرر کرد که نمی‌توان به ممنوعیت مطلق صید و شکار پرندگان و جانوران حکم داد. [۶]

۲-۲- جوامع سنتی

بسیاری از جوامع سنتی، جنگل نشینان و جوامعی که روزگار خود را با شکار و کشت و کار سپری می‌کنند، از دیر زمان در ایجاد رویه‌های پایدار و دانش بی نظیر توسعه یافته‌ای برای محیط زیست و منابعشان مشارکت داشته‌اند. روش‌های آبیاری اینکاه‌ها^۶، جنگل بانی در برخی از مناطق تپه ای کشور سریلانکا و رویه‌های بحث شده در قضیه عبد القدیر شیخ حسن و سایرین علیه اداره حیات وحش کنیا^۷، مثال‌های از این دست به شمار می‌روند. خرد سنتی آفریقایی، و سنت‌های ملانزی‌ها^۸، بومیان استرالیایی، مردمان پلینزی^۹، آسیایی‌ها، سرخ پوستان آمریکایی و مردمان اولیه اروپایی همگی دارای اصولی مرتبط با عدالت زیست محیطی و توسعه پایدار هستند. افزون بر این، بسیاری از جوامع سنتی رابطه بی‌ظنری با زمین دارند: آنها بر این باورند که تنها می‌توان از زمین بهره برداری کرد نه اینکه آن را تملک نمود. برخی دیگر، به زمین در کلیت آن به عنوان ارگانیک زنده نگاه می‌کنند که می‌تواند آسیب دیده یا صدمه بخورد. ممکن است مناطق یا منابعی به عنوان مناطق و منابع مقدس مورد حمایت باشند.

بنابراین «محیط زیست» یعنی مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی و عناصری که به طور متقابلی با یکدیگر مرتبط بوده و بر تعادل زیستی و کیفیت حیات، سلامتی بشر، میراث فرهنگی و تاریخی و چشم انداز اثر می‌گذارد. [۴]

بند ۱ ماده ۱ قانون حفاظت از محیط زیست بلغارستان ۱۹۹۱: «محیط زیست»؛ بخشی از طبیعت است که می‌تواند از فعالیت بشری متاثر گردد. ماده ۵ (۱) (۱) قانون حفاظت از محیط زیست اسلونی ۱۹۹۳: «محیط زیست»؛ شامل موارد زیر است: منابع طبیعی اعم از زنده یا غیر زنده مانند هوا، آب، خاک، جانوران و گیاهان و تعامل میان عوامل یاد شده؛ و اموالی که قسمتی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

۲- مبانی حفاظت از محیط زیست

حقوق؛ زاده‌ی سنت‌های فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی هر اجتماع است. این سنت‌ها و ارزش‌ها به طور مستمری بر توسعه هنجارهای حقوقی اثر می‌گذارند. در سیاق حفاظت زیست محیطی، فرهنگ‌ها، مذاهب و نظام‌های حقوقی سراسر جهان حاوی عناصری هستند که ضمن احترام به محیط زیست درصدد حفاظت از مبانی طبیعی حیات می‌باشند. آنها همچنین دارای مفاهیمی هستند که می‌توانند توسعه حقوق محیط زیست مدرن را ارتقا داده و غنا ببخشند. [۵]

۲-۱- سنت‌های مذهبی

عقاید طرفدار حفاظت از محیط زیست را می‌توان در سنت‌های مذهبی موجود در سر تاسر جهان یافت که از سوی نمایندگان بودیسم، مسیحیت، مائوئیسم^۱، هندوئیسم، اسلام، جی نیسم^۲، یهودیت، شینتوئیسم^۳، سیکسیسم^۴ و زرتشت در قالب اعضای سازمان غیر دولتی اتحاد مذاهب و حفاظت^۵ ابراز شده است؛ این سازمان زمینه‌های مشترکی برای مراقبت از زمین در سنت‌های مذهبی یافته است.

تاریخ باستانی بودا، که به قرن سوم پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد، حاوی سندی از موعظه بودایی است که به موجب آن پسر فرمانروای آسوکا^۶ هند مقرر داشته:

«پرندگان هوا و چهارپایان مانند تو حق برابری برای زندگی و جایابی بهر قسمت از این زمین را دارند. زمین به مردم و تمامی موجودات زنده تعلق دارد؛ تو تنها، پاسبان زمین هستی». در نتیجه، پادشاه نظام حقوقی را بنیان نهاد که تا قرن هجدهم استمرار داشت و پناهگاه امنی را برای جانوران وحشی بوجود آورده بود.

برخی از تعالیم ادیان مسیحی - یهودی نیز مقرر می‌کنند که انسان‌ها مالک زمین و منابع آن نیستند. حقوق یهودیت دارای مقرراتی برای حفاظت از پرندگان و حفاظت از درختان در دوران جنگ است. همچنین دفع زباله‌های انسانی را قاعده مند می‌کند سنن مسیحی، سلطه انسان بر

⁶ Asoka

⁷ Inca.

⁸ Abdikadir Sheikh Hassan and others v. Kenya Wildlife Service

⁹ Melanesian

¹⁰ Polynesian

¹ Daoisam

² Jainism.

³ Shintoism.

⁴ Sikhism.

⁵ Alliance of Religions and Conservation.

علل ایجاد جرم و انگیزه‌های آن دارد، به نحوی که امروزه، در حقوق بین الملل محیط زیست، یکی از جنبه‌های مهمی که مورد توجه قرار گرفته، گونه شناسی جرایم محیط زیستی است. چرا که آگاهی از انگیزه‌ها، دلایل، فشارها و تمامی فاکتورهایی که متخلف را به سمت ارتکاب جرم پیش می‌برد می‌تواند در اتخاذ راهبرد صحیح برای پیشگیری و حفاظت موثر باشد [۲]

حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و فناوری تحت تأثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسائل آن مستلزم برخورداری از اطلاعات اولیه در محیط زیست است. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان کننده همه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان است، این نتیجه حاصل می‌شود که حقوق محیط زیست علاوه بر زیر پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک (شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی و حقوق بین الملل)، آن قسمت از حقوق که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمام قسمت‌های حقوقی وارد کند را نیز در برمی‌گیرد.

حقوق محیط زیست را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: حقوق محیط زیست طبیعی و محیط زیست انسانی. حقوق محیط زیست طبیعی به بررسی راه‌های حفظ بیوسفر و حفاظت از محیط‌های زیست طبیعی مانند جنگل‌ها، مراتع، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده و نیز حیات وحش و حیوانات و آبزیان و جلوگیری از انهدام آنها می‌پردازد. حقوق محیط زیست انسانی، شامل آن دسته از قواعد و مقرراتی است که از زندگی فرد در این محیط‌ها حمایت می‌کند و از آنجا که مشکلات و مسائلی که ممکن است در این محیط برای بقای فرد به وجود آید به انواع آلودگی‌ها مربوط می‌شود؛ حقوق محیط زیست انسانی در بردارنده قواعد و قوانین لازم برای مقابله با آلودگی‌هاست. جرم در حقوق موضوعه ایران به روشنی بیان شده است (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) براساس این تعریف و به موجب اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، هر عملی، زمانی جرم تلقی می‌گردد که توسط قانون مقرر و برای آن مجازات تعیین شده باشد. جرایم محیط زیست هم از این قاعده مستثنی نیستند و به صراحت می‌توان گفت مصداقی از مصادیق خارجی تعریف جرم است. برای آنکه عملی به عنوان جرم، قابل مجازات باشد، جمع آمدن چندین مورد ضروری است. بعضی از این موارد، جنبه عمومی دارد یعنی وجود آنها در کلیه جرایم لازم است و برخی دارای جنبه خصوصی هستند. [۸]

طبقه بندی‌های مختلفی در خصوص جرم محیط زیستی ارائه شده است. در قوانین و مقررات ایران، جرم محیط زیستی گاهی به شکل عام و در مواردی به گونه‌ای خاص مورد توجه واقع شده است. عنصر قانونی جرم محیط زیستی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آنها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده است و برای مرتکب و مرتکبین نیز برحسب مورد مجازات تعیین شده

بسیاری از مردمان بومی با زمین و محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنند رابطه مخصوصی دارند. همانطور که گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد خانم فاطمه زهرا سنتینی^۱ اظهار داشته:

تقریباً در فرهنگ کلیه مردمان بومی‌زمین مورد پاسداشت است؛ «مادر زمین»^۲؛ هسته چنین فرهنگی را تشکیل می‌دهد. زمین خانه نیاکان، تأمین کننده نیازهای مادی روزمره و امانتی برای نسل‌های آتی است. مطابق دیدگاه بومیان، زمین نباید به گسترده‌گی مورد بهره برداری و تخریب قرار گیرد - چنین رفتاری تجاوز به زمین است - همچنین زمین قابل خرید، فروش و معامله نیست. بعلاوه، مردمان بومی از دیر زمان، رویه‌های موفق‌تری را در مورد بهره برداری از زمین و مدیریت منابع توسعه داده‌اند. این رویه‌ها که دامداری عشایری^۳، کشت و زرع نوبتی^۴، اشکال مختلف جنگل کاری، کشت بر روی سطوح شیب دار^۵، صیادی، گله داری و ماهی گیری را شامل می‌شوند برای مدت زمان طولانی، رویه‌هایی ناکافی، غیر سازنده و بدوی در نظر گرفته می‌شدند. با این همه، هر اندازه که آگاهی افکار عمومی جهانی نسبت به محیط زیست و به ویژه خسارات وارده به سکونت گاه‌های آسیب پذیر بالاتر می‌رود توجه و علاقه به رویه‌های استفاده از زمین بومیان نیز بیشتر می‌شود. اعتقاد به پایداری، جوهر اساسی اقتصاد و فرهنگ مردمان بومی است. [۷]

۳- گونه شناسی جرایم

در حقوق ایران؛ مساله حمایت و حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از جرایم مرتبط سال‌هاست که مورد توجه قرار گرفته و مقنن تلاش کرده تا با تصویب قوانین متعدد به این مهم جامه عمل بپوشاند. بدین منظور، موضوع برخورداری از محیط زیست سالم در اصل (۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به عنوان مهم‌ترین سند قانونی کشور، منعکس شده و به تصویب رسیده است. طبق این اصل: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» امروزه داشتن محیط زیست سالم و حفاظت از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری مطرح است و راهکارهای حفظ این محیط با در نظر گرفتن منابع موجود در آن به عنوان چالشی بزرگ مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. مدیریت محیط زیست و حفاظت از عرصه‌های طبیعی، مستلزم بکارگیری علوم و فنون متعددی است، از جمله حقوق کیفری محیط زیست. جرم انگاری تخریب و آلودگی محیط زیست و استفاده از مجازات‌های کیفری در کنار جبران خسارات ناشی از آنها از جمله واکنش‌هایی است که نسبت به این اعمال توسط جامعه بشری اتخاذ گردیده است. البته این مهم نیز بیش از هر چیز نیاز به درک چرایی و

⁴ Shifting cultivation

⁵ Terrace agriculture

¹ Fatma Zohra Ksentini.

² "Mother Earth" "Mother Nature"

³ Nomadic Pastoralism

مجازات اسلامی با استفاده از کلمه «عمداً» به صراحت، عمدی بودن این جرم محیط زیستی را بیان کرده است. [۹]

ب) جرم غیر عمدی:

اکثریت جرایم محیط زیستی، در زمره جرایم عمدی جای می‌گیرند. اما موارد اندکی از این جرایم در دسته جرایم غیر عمدی قرار می‌گیرند. هر چند جرم احراق از جرایم عمدی است؛ لکن به حکم قانون، حریق غیر عمدی منابع طبیعی نیز در مواردی خاص، جرم تلقی شده است، جرایم غیر عمدی زمانی موجب مسئولیت کیفری می‌گردند که انسان در ارتکاب آنها، رعایت احتیاط و مقررات و نظامات دولتی را ننموده باشد. بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی را خطای کیفری می‌نامند. مصادیق جرم احراق غیر عمدی، ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که مقرر داشته است: «آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت ماموران جنگل بانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه بی مبالاتی، حریق در جنگل ایجاد شود، مرتکب به حبس تادیبی از دو ماه تا یکسال محکوم خواهد شد». [۳]

جرایم محیط زیستی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم بندی می‌کنند:

جرایم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان که شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، است. همچنین تمام امور مربوط به جانداران وحشی و آبیان آب‌های داخلی را شامل می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون، تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث بر هم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می‌شود. [۳]

جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی.

بی تردید، یکی از منابع عمده ناامنی در جوامع بشری، آن دسته از رفتارهایی است که در قوانین کیفری در قالب فعل یا ترک فعل، جرم انگاری شده‌اند. بزهکاری یا همان مجموعه جرایم ارتكابی در جرم زمان معین، در واقع انسجام اجتماعی و بنابراین بقای نظم عمومی را در معرض خطر فروپاشی قرار می‌دهد. از این رو، دولت‌ها از دیرباز و پیش از هر چیز با توسل به نهادهای قهرآمیز و واکنش سرکوبگر (مجازات) در مقام مبارزه با جرایم، برمی‌آیند. ولیکن آمار جنایی، نشان می‌دهد که با وجود تقویت ساختار مجازات‌ها و به طور کلی توسعه قلمرو حقوق جزایی، نظام کیفری به تنهایی نمی‌تواند جلوه‌های گوناگون بزهکاری را مهار کند. ظرفیت محدود نظام کیفری در مبارزه موثر با بزهکاران، دولت‌ها را به سوی مطالعه و اتخاذ و اعمال راهکارهای غیر کیفری سوق داده است و بدین سان است که در کنار پاسخ‌های سرکوبگر، ضرورت جستجو پاسخ‌هایی خارج از قلمرو حقوق کیفری، از جمله پاسخ‌های پیشگیرانه، در برابر جرم

است. بنابراین؛ هر گونه ایراد خسارت به اجزای جاندار و غیر جاندار اکوسیستم، اعم از آنکه در قالب تخریب یا آلودگی باشد، جرم محیط زیستی قلمداد می‌شود. از جمله مواردی که جرم محیط زیستی در معنای عام مورد توجه قرار گرفته، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. در بسیاری از جرایم عمدی برای آنکه جرم، تحقق پیدا کند، باید زیان و صدمه‌ای از عمل، ناشی شده باشد. به عبارت دیگر، تحقق مسئولیت کیفری محیط زیستی، منوط به واقع شدن نتیجه مجرمانه و ورود ضرر و زیان است. اما در بعضی جرایم که تحت عنوان جرایم مطلق شناخته می‌شوند مطلق انجام یک عمل که در قانون، منع شده یا ترک انجام آن، جرم محسوب می‌شود؛ خواه نتیجه مجرمانه حاصل شود یا نه. در حقوق کشور انگلستان از عنوان جرایم رفتاری برای جرایم مطلق و جرایم نتیجه‌ای برای جرایم مقید نام می‌برند. در آمریکا نیز همانند انگلستان، اصل مسئولیت مطلق در مورد جرایم مربوط به رفاه عمومی پذیرفته شده است. اصولاً، با توجه به طبیعت بیشتر جرایم محیط زیستی که ناشی از عدم نتیجه سریع از یک طرف و یا مشکل تشخیص عامل جرم به نحو مشخص و یا از نظر بعد مسافتی ایجاد جرم است؛ باید جرایم محیط زیستی را در طبقه بندی جرایم رفتاری با جرایم مطلق، مورد بررسی قرار داد. همیشه وجود دو رکن قانونی و مادی برای تحقق جرم کافی نخواهد بود و انجام یک عمل مجرمانه نیز به تنهایی دلیل وجود عنصر معنوی نیست. به عبارت دیگر، ممکن است عمل مجرمانه واقع شود، اما قانون، فاعل آن را به دلیل نبودن قصد مجرمانه و یا مسئولیت جزایی، قابل مجازات نداند. بنابراین برای آنکه مجرم بودن یک شخص، مورد پذیرش قرار گیرد نمی‌توان تنها به انجام شدن یک عمل مادی که از نظر قانون، جرم محسوب شده است؛ بسنده کرد. یعنی فرد مرتکب یا باید در انجام فعل مجرمانه قصد عمد داشته باشد که در این صورت، جرم عمدی تحقق پیدا کرده است و یا عمل مجرمانه بر اثر خطا از او سر زده باشد که در این حالت، جرم واقع شده را جرم غیر عمدی (خطای شبه عمد و یا خطای محض) می‌گویند.

در حیطه جرایم محیط زیستی، اکثریت جرایم، علاوه بر مطلق بودن، عمدی نیز هستند و تعداد کمی از جرایم محیط زیستی در حیطه جرایم غیر عمدی، قرار می‌گیرند. از لحاظ تقسیم بندی، جرایم محیط زیستی به دو گروه اصلی عمدی و غیر عمدی تقسیم می‌شوند:

الف) جرم عمدی:

قصد مجرمانه که احراز آن برای تحقق جرم عمدی، ضروری است به شکل‌های مختلف قابل تشخیص است. گاهی برای آنکه مشخص شود جرم مورد نظر از جرایم عمدی است؛ در عبارت قانونی از کلماتی مانند علم و عمد، عمد و قصد تقلب استفاده می‌شود. مواردی نیز وجود دارد که چنین کلماتی در متن ماده آورده نشده است و از محتوای آن ماده، باید دریافت که جرم عمدی و یا غیر عمدی است برای نمونه در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی که در ارتباط با آتش زدن اموال و منابع طبیعی است، مقنن با استفاده از کلمه «عمداً»، آشکارا، عمدی بودن این جرم محیط زیستی را بیان کرده است. همچنین؛ در ماده ۶۸۶ قانون

جرائم ارتكابی نسبت به عناصر بی جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی.

بی تردید، یکی از منابع عمده نا امنی در جوامع بشری، آن دسته از رفتارهایی است که در قوانین کیفری در قالب فعل یا ترک فعل، جرم انگاری شده‌اند. پیشگیری از وقوع آلودگی و جرم محیط زیستی، مرحله نخست پاسخ است که در برابر تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیشگیری از وقوع جرم محیط زیستی در مقررات گوناگون بین المللی از جمله کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، کنوانسیون ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، و کنوانسیون‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در اصل پانزدهم کنوانسیون ریو مقرر شده، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه و حمایتی براساس توانایی‌های خود وضع نمایند. به طور مبسوط در حقوق ایران نیز پیشگیری از جرم محیط زیستی پیش بینی شده است.

۲-۳ عناصر جرایم زیست محیطی

جرایم زیست محیطی را از منظرهای مختلف می‌توان شناسایی کرد؛ به جهت گستردگی قوانین کیفری مرتبط با جرایم زیست محیطی از یک سو و عدم تمییز قوانین کیفری که مرتبط با محیط زیست اند یا خیر، معیاری که بتواند موجب شناسایی این جرایم شود، نهایتاً نسبی و خدشه پذیر است. ابهام در زمینه جرایم زیست محیطی فقط از دریچه قوانین پراکنده و مصداق‌های قانونی فراوان نیست؛ بلکه در ارتباط با ماهیت خود این جرایم نیز هست. با بررسی قوانین کیفری پراکنده، می‌توان برخی از جلوه‌های بارز مرتبط با ماهیت جرایم زیست محیطی را شناسایی کرد:

۱-۲-۳ عنصر رفتار

گسترده‌ترین و متنوع‌ترین مجموعه رفتارهای مجرمانه، مختص جرایم زیست محیطی است. دلیل این امر، تنوع موضوعات یا ارزش‌های مورد حمایت قانون است. آن چه که به عنوان ارزش یا موضوع مطرح می‌شود لاجرم در برابر ضد ارزش یا رفتار قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل، رفتارهای مجرمانه برای جرایم زیست محیطی گرچه حول چند رفتار اصلی مانند آلوده کردن، تخریب یا از بین بردن می‌چرخند ولی بسیار پر مصداق‌اند. برای مثال، از ایجاد صدا از موتورهای یک کشتی که می‌تواند یک رفتار ضد محیط زیستی و یا جرم تلقی گردد گرفته تا تخلیه عمدی نفت در دریا که تبعات بسیار سنگینی برای محیط زیست دریایی و موجودات آن دارد، از انتشار یک گاز گلخانه‌ای در هوا که منجر به ایجاد آسیب و صدمه برای موجودات زنده موجود در آن گرفته تا قطع درختان خاص و کمیاب یک منطقه همه می‌تواند یک جرم محیط زیستی تلقی گردد. همچنین برخی رفتارهای به ظاهر ساده نیز می‌توانند یک جرم زیست محیطی را تشکیل دهند. برای مثال، اظهارات نادرست در مورد یک حادثه زیست محیطی، عدم اطلاع‌رسانی درباره آن حادثه، فعالیت بدون مجوز در یک حوزه از محیط زیست که نیازمند مجوز است و نقض حدود یا شرایط مجوز، می‌توانند یک جرم زیست محیطی تلقی گردند» [۱۰]

احساس شده است. پیشگیری از وقوع آلودگی و جرم محیط زیستی، مرحله نخست پاسخ است که در برابر تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقوله پیشگیری، از اقسام جرم شناسی کاربردی است که به مطالعه و بررسی وسایل و امکانات علمی و عملی پیشگیری از ارتكاب اعمال مجرمانه می‌پردازد. نظام کیفری در راستای اعمال مجازات‌ها، به طور جانبی و حاشیه‌ای می‌تواند خاصیت پیشگیری نیز داشته باشد. پیشگیری از وقوع جرم محیط زیستی در مقررات گوناگون بین المللی از جمله کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، کنوانسیون ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، و کنوانسیون‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در اصل پانزدهم کنوانسیون ریو مقرر شده، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه و حمایتی براساس توانایی‌های خود وضع نمایند. به طور مبسوط در حقوق ایران نیز پیشگیری از جرم محیط زیستی پیش بینی شده است.

جغرافیای طبیعی ایران، شامل طیف متنوعی از اکوسیستم‌ها است. بیابان‌ها و کویرها، کوهستان‌ها، اکوسیستم‌های آبی، دشت‌ها و مراتع، جنگل‌ها و درخت‌زارها عمده‌ترین تنوع پوشش جغرافیای طبیعی این سرزمین است. حدود ۹۰٪ خاک ایران در محدوده فلات ایران واقع شده است. حدود ۲۱۰/۱۸۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را جنگل پوشانده است که حدود ۵/۱۵۵ آن مربوط به جنگل‌های بلوط غرب ایران است و جنگل‌های شمال ایران ۱۹٪ و جنگل‌های پست پراکنده در جنوب و شرق ۱۳/۳٪ جنگل‌های کوهستانی ارس ۶/۱۶٪ و جنگل‌های گرمسیری و کویری نیز ۶/۱۵٪ را شامل می‌شوند.

از آنجا که نوع بشر در یک محیط زیست ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی می‌باشد از این رو برای بقای نسل بشر محیط زیست می‌بایستی مورد حمایت قرار گیرد. باید توانایی‌های علمی و تکنولوژیکی بشر برای حفاظت از محیط زیست به کار گرفته شود نه برای تخریب آن. حفاظت از محیط زیست پیش از آلوده شدن هدفی است که برای تحقق نیازمند حقوق کیفری است تا با یک قانونگذاری همه جانبه موجب حفاظت عادلانه و منطقی از محیط زیست می‌شود.

۱-۳ جرایم محیط زیست بر مبنای ماهیت:

جرائم محیط زیستی را با توجه به ماهیت‌شان به دو گروه عمده تقسیم بندی می‌کنند:

جرائم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان که شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، است. همچنین تمام امور مربوط به جانداران وحشی و آبریان آب‌های داخلی را شامل می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون، تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث بر هم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می‌شود [۳]

برای آن که رکن مادی جرم را احراز نمود، می بایست فیمابین فعل شخص و نتیجه مجرمانه، رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد. به سخن دیگر، باید رابطه سببیت احراز گردد تا بتوان شخص را مسئول تلقی نمود. در دستور العمل کمیسیون اروپایی گفته شده است که: «تمام اشکال خسارت های زیست محیطی از طریق نظام مسئولیت قابل جبران نیست؛ برای تحقق مسئولیت زیست محیطی باید یک یا چند عامل آلاینده معین یا قابل تعیین وجود داشته باشد، خسارت ملموس و عینی بوده و رابطه سببیت بین خسارت و عامل آلاینده وجود داشته باشد». بنابراین، در موردی که آلودگی، وصف «پراکنده» و منتشر دارد و نمی توان آثار منفی محیط زیست را به عمل یا ترک عمل عوامل معینی منتسب کرد، مسئولیت زیست محیطی محقق نمی شود»

۳-۲-۳ رکن روانی

رکن روانی طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در جرایم مطلق شامل جرایم مطلق شامل دو عنصر قصد رفتار و علم به موضوع است و در جرایم مقید، علاوه بر دو عنصر پیش گفته، قصد نتیجه نیز شرط است که گاه در غیاب قصد نتیجه، علم به وقوع نتیجه کافی خواهد بود.

عنصر روانی جرایم عمدی، متشکل از قصد مجرمانه و اراده ارتکاب فعل مجرمانه می باشد؛ لیکن در جرایم غیر عمدی آن چه که عنصر روانی جرم را به وجود می آورد خطای جزایی و مسئولیت جزایی است. بر همین اساس می توان گفت که در جرایم عمدی، مجرم با تمایل و خواستن خود انجام یک رفتاری که قانون برای آن ممنوعیت در نظر گرفته است و یا با ترک آن رفتاری که به موجب قانون ممنوع شده، آن عمل را انجام می دهد. به دیگر سخن، مجرم در انجام یا عدم انجام آن عمل قصد منجز دارد. عنصر روانی در جرایم غیر عمدی یک خطای جزایی قلمداد گردیده است. «بعضی از حقوقدانان نیز معتقدند عنصر روانی جرایم عمدی متشکل از علم، آگاهی و اراده بوده و عنصر روانی جرایم غیر عمدی تقصیر یا خطای جزایی می باشد. تعریف اخیرالذکر قابل قبول تر به نظر می رسد؛ بنابراین، در جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی عنصر روانی وجود دارد، حتی در جرایم غیر عمدی نیز خطای جزایی تشکیل دهنده عنصر روانی است [۱۱۳]

با بررسی جرایم محیط زیست و نظریات حقوقدانان و نویسندگان مختلف به این موضوع پی می بریم که دو نظر متفاوت وجود دارد. قاعده کلی در جرایم علیه محیط زیست این است که در عنصر روانی این جرایم، عمد، شرط می باشد. بنابر همین قاعده، جرایم عمدی در نظر گرفته می شوند مگر این که قانونگذار خلاف اصل مذکور را بیان نموده باشد. و نیز باز بر اساس همین قاعده بوده است که در جرایم علیه محیط زیست نیز عده ای قائل بر این هستند که این جرایم عمدی می باشند و در صورت جمع سه عنصر قانونی، مادی و روانی قابلیت تحقق دارند.

۴- راهکار حقوقی

یکی از علل تأخیر حقوقدانان و دادگاهها در به رسمیت شناختن اهمیت حقوق محیط زیست به عنوان یک حق مهم بشری احتمالاً آن است که تخریب شدید محیط زیست از ناحیه منابع انسانی تقریباً جدید است. تا

همین گستردگی نیز چالش های زیادی را به همراه دارد. رفتار مرتکب ممکن است به شکل فعل و یا ترک فعل باشد. رکن مادی جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شامل هر دو شکل رفتار مرتکب، یعنی فعل و ترک فعل است با این تفاوت که، جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل بسیار اندک است و عنصر مادی بیشتر این جرایم ناشی از فعل است. اعمالی مانند: آلوده کردن، توزیع کردن، ریختن، پخش و منتشر کردن، عرضه کردن، که در قوانین و مقررات مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یکی از قوانینی که از تحقیق جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل سخن گفته است قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا است. در ماده ۵ این قانون، نگرفتن گواهینامه مخصوص مربوط به رعایت حد مجاز آلاینده های هوا، در ماده ۷ رعایت نکردن محدودیت و یا ممنوعیت موقت زمانی، مکانی و نوعی برای منابع آلوده کننده، جرم تلقی شده است. رفتار جرم گاه از سوی اشخاصی به منصف ظهور می رسد که در انجام آن رفتار گویی علل موجه دارند، حال آن که اساساً نباید چنین باشد. به دیگر سخن زمانی که دولت ها و سازمان های عمومی غیر دولتی مثل شهرداری ها اقدام به انجام رفتارهایی می کنند که بر خلاف ارزش های محیط زیستی موجود است، مانند اقدام به احداث بی رویه سدها در مسیر رودهای منتهی به دریاچه ارومیه، یا قطع سه هزار اصله درخت جنگل های هیرکانی برای ساخت سد شفارود در گیلان، این رفتارها با این عبارت که انجام این کار برای رفاه و انجام خدمات رسانی به مردم و موضوعات حاکمیتی مورد نیاز بوده است، توجیه می شوند و یا این که در صورت عدم توجیه نیز به صورت جدی مورد تعقیب و رسیدگی قضایی قرار نمی گیرند. در حقیقت در این موارد عنوان مجری قانون و مجرم در یکجا جمع شده است.

گاه نیز رفتار از سوی اشخاصی حقوقی انجام می پذیرد که در این فعل یک شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی می باشد نیز دخیل است. از همین رو پذیرش مسئولیت کیفری صرفاً برای شخص حقیقی یا صرفاً برای شخص حقیقی چالش برانگیز می شود. [۱۱۱]

۳-۲-۲ عنصر نتیجه

به گستردگی رفتار جرایم زیست محیطی، نتیجه جرم گسترده نیست؛ زیرا عنصر نتیجه در همه جرایم زیست محیطی شرط نیست به ویژه اگر طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، قید عنصر نتیجه در کنار رفتار و موضوع، شرط شده باشد. در این صورت باید جرمی را مقید به حصول نتیجه دانست که عنصر نتیجه در قانون منفک از رفتار به صراحت شرط شده باشد. رکن مادی یا رفتار برخی جرایم به گونه ای است که عنصر نتیجه نیز در آن مستتر است. اما «برخی از جرایم عمدی زیست محیطی (که بیشترین جرایم مطرح شده در این قلمرو هستند)، جرایمی هستند که تحقق یافتن آنها نیازمند پدید آمدن صدمه و زیان نیست؛ یعنی موکول به حاصل شدن نتیجه مجرمانه نیست؛ به عبارت دیگر جرایم زیست محیطی عمدی مطلق هستند» [۱۱۲]

بشر سازمان ملل متحد نیز دهن مقادیر زیاد زباله‌های اتمی را که زندگی ساکنین مناطق مجاور را تهدید می‌کند «اقدامی فجیع» توصیف نموده و آن را نقض حق حیات مقرر در ماده (۱) ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تلقی کرده است. مضافاً کمیته مذکور در موردی دیگر اظهار نظر نموده که حق حاکمیت برای اجرای توسعه اقتصادی الزاماً با تعهدات بین‌المللی دولت در مورد حقوق بشر محدود می‌گردد. [۱۵]

علاوه بر این، اهمیت رویه قضایی و آرای علمای حقوق در این باره به رغم اختلاف نظر در مورد سایر قواعد بین‌المللی ناظر بر محیط زیست، حاکی از آن است که وظیفه جلوگیری از تخریب شدید محیط زیست بویژه در خارج از مرزهای ملی از اعتبار حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل بی‌هیچ درنگی در سال ۱۹۷۶ چنین احراز کرد که «تخلف جدی از تعهد مهم بین‌المللی برای حفظ و حراست از محیط زیست انسان» به معنای «نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی» است.

قواعد مشخص، الزام آور و جهانی حقوق بین‌الملل عرفی مانع اقداماتی است که احیاناً سبب تخریب وسیع، شدید و طولانی محیط زیست و در نتیجه لطمه به سلامت و حیات مردم می‌شود یا آنها را از زندگی محروم می‌سازد. به همین منوال با توجه به اهمیت طبیعت برای زندگی و با در نظر گرفتن حق حیات به عنوان مهمترین قاعده آمره که در فقد آن اعمال حقوق دیگر متصور نیست، اجتناب از تخریب محیط زیست که منجر به تهدید حق حیات گردد، یک هنجار اساسی در حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود. این ممنوعیت متکی است بر حق حیات، امنیت و سلامت انسان، حقوق محیط زیست و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و رویه روشن دولت‌ها در تصویب قوانین داخلی. ممنوعیت مذکور هم در داخل و هم خارج از مرزهای ملی اعمال می‌گردد.

عملکرد دولت‌ها، قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و تصمیمات متخذه توسط دیوان‌های بین‌المللی جملگی در جهت اجرا نمودن نتیجه‌گیری فوق است. در واقع مقلع‌ترین دلیل بر وجود این قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تعداد قابل توجهی از اسناد چند جانبه است که انواع گوناگون تخریب محیط زیست را تخلف شناخته یا دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر عملی برای حفظ محیط زیست در موارد خاص ملزم می‌سازد. برای مثال ماده ۱۲ عهدنامه بازل در مورد «کنترل عبور و مرور مرزی و مصرف مواد خطرناک» از اعضا می‌خواهد که پروتکلی درباره قوانین ماهوی و شکلی ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از عبور و مرور مرزی مواد خطرناک تهیه و تنظیم نمایند. نمونه دیگر پیش‌نویس عهدنامه بین‌المللی در خصوص مسئولیت و جبران خسارت ناشی از حمل و نقل دریایی مواد خطرناک و زیان آور است که ماده (۶) آن مجازات سنگینی را در مورد صدمه به محیط زیست مقرر می‌کند. [۱۷]

زمان انقلاب صنعتی فقط سیل، زلزله، آتشفشان، قحطی و طاعون تهدیداتی مستمر در سطح ملی محسوب می‌شدند و فعالیت‌های بشر در وقوع و آثار این بلایای طبیعی نقش چندانی ایفا نمی‌کرد. در عهد قدیم حضرت نوح برای حفظ موجودات زمین از انقراض در اثر توفان، کشتی ساخت اما در عصر حاضر این عملکرد بشر است که سبب بروز بلایای محیط زیستی گشته است.^۱

۴-۱ نیاز به اجرا در حقوق محیط زیست

هنگام تدوین قانون اساسی ایالات متحده، جدال شدیدی درباره موضوعات مهم حقوق بشر که در آن موقع مطرح بود، از جمله آزادی مذهب، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، در جریان بود. چون اعتقاد بر آن بود که در زمان استعمار آمریکا حقوق بشر به شدت مورد تهدید واقع شده، رعایت این حقوق صریحاً در قانون اساسی و لایحه حقوق آمریکا مورد تأکید قرار گرفت. انقلاب صنعتی تازه در اواسط قرن هفدهم رو به پیشرفت گذارد و تصور می‌گردید که هوای پاک و آب تمیز کماکان به طور نامحدود در دسترس خواهد بود. مسلماً اگر در آن زمان آب و هوای بوستون و فیلادلفیا چون امروز شدیداً آلوده بود، شاید این مسأله هم مورد توجه واضعان قانون اساسی قرار می‌گرفت. به هر حال، آمریکایی‌ها تا زمان تألیف کتاب تکان دهنده «بهار خاموش» به وسیله راشل کارسون در سال ۱۹۶۲ از خطرات موجود برای محیط زیست بی‌اطلاع بودند. [۱۴]

با افزایش بحران محیط زیست در قرون نوزده و بیست نویسندگان قوانین اساسی در اطراف و اکناف جهان، تقریباً در قانون اساسی شصت کشور، ضوابط مختلفی را برای حفاظت محیط زیست یا سایر حقوق مربوط به محیط زیست در نظر گرفته‌اند ظرف چند دهه گذشته حدود یک هزار قرارداد دو جانبه و سید و پنجاه قرارداد چند جانبه با هدف حمایت از محیط زیست توسط کشورهای مختلف منعقد گشته است. در واقع نمایندگان بیش از یکصد کشور حاضر در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳ اعلام کردند که دهن غیرقانونی مواد سمی حق حیات را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد. افزون بر این، آرای صادره از محاکم قضایی بین‌المللی در چند مورد بر وظیفه عدم تخریب محیط زیست که متضمن خطرات جانی و بهداشتی است، به عنوان یک قاعده شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی صحه می‌گذارند. مهمترین رأی قضایی در محدوده حقوق بین‌الملل محیط زیست حکم داوری «تریل اسملتر» بود که اصل مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های فرامرزی زاینبار برای محیط زیست را به رسمیت می‌شناسد. متعاقباً کمیسیون حقوق بشر قاره آمریکا رأی داد که ساخت بزرگراه در میان جنگل‌های آمازون توسط دولت برزیل به حق حیات و سلامت بومیان یا نومامی - که فاقد مصونیت لازم مقابل بسیاری از امراض وارداتی به محیط زیست خود هستند - و همچنین به وسایل امرار معاش آنها لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. کمیته حقوق

^۱ در عصر حاضر که گونه‌های بی‌شماری به سبب آلودگی محیط زیست و سایر اعمال بشر منقرض شده‌اند ما بر عکس قضیه کشتی نوح شاهدیم که نابودی خیلی از گونه‌ها اجباری بوده است.

۲-۴ فقدان مکانیسم‌های اجرایی بین‌المللی برای حفاظت محیط

زیست

عهدنامه‌ها و بیانیه‌های مربوط به حمایت از محیط زیست که قواعد عرفی و معیارهای ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از تخریب محیط زیست را تدوین می‌کنند، بیانگر آن است که وظیفه عدم تخریب محیط زیست تا حدی که بر حقوق بین‌الملل بشر نظیر حق حیات، سلامت و امنیت تأثیر می‌گذارد، مورد پذیرش عامه واقع شده است. معهدا حقوق بین‌الملل فاقد ابزار کافی برای جبران اعمال زیان آور برای محیط زیست می‌باشد. زیرا نتیجه بخش بودن قواعد محیط زیست به لحاظ ماهیت جهانی آنها مستلزم همکاری بین‌المللی است، در حالی که آلوده‌کنندگان و ناقضان محیط زیست به علت ناهماهنگی موجود بین دولت‌ها یا نهادهای منطقه‌ای اغلب موفق می‌شوند که تلاش آنها را برای اجرای قوانین محیط زیستی با مشکل مواجه سازند.

به استثنای تعداد انگشت شماری از عهدنامه‌های چندجانبه که نهادهایی برای نظارت بر تخلفات زیست محیطی تعیین نموده‌اند، هیچ محکمه قضایی با صلاحیت اجباری یا با حق نظارت یا مجوز اجرای قواعد روبه تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست تشکیل نشده است. به همین منوال، هر چند دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه برای رسیدگی به اختلافات محیط زیستی صلاحیت دارد، اما در عمل ظرف چهل سال گذشته هیچ دعوایی را در این زمینه مورد حکم قرار نداده است، ضمن این که صلاحیت آن محدود به دعوی دولتهاست و افراد، شرکتها یا دیگر سازمان‌های غیر دولتی اهلیت طرح دعوی نزد دیوان مذکور را ندارند. در سال‌های اخیر دیوان در پرونده گبسیکو - نگیماروس بین مجارستان و اسلواکی راجع به خسارات زیست محیطی ناشی از انحراف رودخانه دانوب، ترجیح داد که به جنبه محیط زیستی دعوی نپردازد و قضیه را بر اساس نقض عهدنامه ۱۹۷۷ بین دو کشور حل و فصل کرد.

در بخش مربوط به حقوق کیفری بین‌المللی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) که صلاحیت آن به جرایم مهم بین‌المللی محدود است، درباره رسیدگی به دعاوی محیط زیستی ساکت است. اعمال صلاحیت بر جرایم محیط زیستی مستلزم اصلاح اساسنامه دادگاه است. خارج ماندن جرایم محیط زیستی از صلاحیت این دادگاه سؤال برانگیز است بویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در باب مسئولیت بین‌المللی دولت در ماده (د) ۱۹ مقرر می‌دارد که «نقض جدی تعهد بین‌المللی که برای حفظ و حراست از محیط زیست بشر واجد اهمیت حیاتی است» جرم بین‌المللی تلقی می‌گردد. [۱۶]

۳-۴ اقدامات ملی و منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست

تلاش‌های صورت گرفته برای حفظ محیط زیست بیشتر در اروپا و ایالات متحده متمرکز بوده است. دیوان عدالت اروپایی (ICJ) دادگاه حقوق بشر اروپایی و شورای اروپا قواعدی خاص محیط زیست که در مراجع محلی و منطقه‌ای قابل استناد است، وضع نموده و به مرحله اجرا گذارده‌اند. برای مثال، دیوان عدالت اروپایی در مواردی توسل به افراد و سازمان‌های

غیر دولتی را برای اجرای آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا راجع به محیط زیست تجویز نموده است. دادگاه حقوق بشر اروپایی در تصمیم بدیع خود در پرونده لویز - استرا در سال ۱۹۹۴ با تمسک به قواعد سنتی حقوق بشر، حمایت از محیط زیست را توسعه داد، هر چند در مجموع از تسری این رویه قضایی به پرونده‌های بعدی خودداری نموده است.

شورای اروپا نیز کوشش نموده که استانداردهای حمایت از حقوق محیط زیست در اروپا و در سطح بین‌المللی را هماهنگ نموده و با تدوین معاهداتی چندجانبه دولت‌های عضو را ملزم سازد تا قوانین داخلی خود را با استانداردهای مذکور مطابقت دهند. علاوه بر معاهده ناظر بر مسئولیت مدنی خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست شورا در ۴ نوامبر ۱۹۹۸ معاهده دیگری به نام معاهده حمایت از محیط زیست به وسیله قوانین کیفری را برای امضای اعضا آماده کرد. این معاهده دولت‌های عضو را موظف می‌کند تا با وضع قوانین داخلی انواع خاصی از آلودگی و تخریب محیط زیست را قطع نظر از عمدی یا غیر عمد بودن آنها جرم محسوب نمایند. [۱۶]

در ایالات متحده، قانون دعوای شبه جرم بیگانگان تا حدودی امکان تعقیب نقض مقررات محیط زیستی در دادگاه‌های فدرال را فراهم ساخته است. همانطور که شعبه دوم دادگاه استیناف در پرونده کادیک علیه کارازیک یادآوری کرده حقوق بین‌الملل نیز به دولت‌ها اجازه می‌دهد که راهکارهای حقوقی مناسب مانند امکان اقامه دعوی شبه جرم به نحوی که در «قانون شبه جرم خارجی» مقرر شده، پیش‌بینی نمایند. قانون دعوای شبه جرم خارجی «دارای محدوده وسیعی» است. تخلف از اصول و قواعد جهانی، الزام آور و تعریف شده حقوق بین‌الملل عرفی، در محاکم مذکور قابل تعقیب قضایی می‌باشند، و محاکم ایالات متحده با مراجعه به رویه دولت‌ها براساس معاهدات، تصمیمات قضایی، اعلامیه‌های سازمان ملل و آرای علمای حقوق محتوی و ماهیت حقوق بین‌الملل عرفی را در این زمینه‌ها مشخص می‌کنند.

در محاکم ایالات متحده شاکیان با استناد به قانون دعوای شبه جرم خارجی، دعوایی درباره جرایم علیه بشریت، کشتار جمعی، رفتار خشن و توهین آمیز، تبعیض نژادی و نقض حقوق محیط زیست بشر و حق حیات و امنیت شخصی اقامه کرده‌اند. اکنون بیش از دویست سال است که برخی تخلفات بین‌المللی به استناد قانون دعوای شبه جرم خارجی در محاکم قضایی قابل طرح بوده بدون این که لازم باشد ارتکاب عملی توسط دولت اثبات شود. برای نمونه، تخلفات از حقوق کیفری بین‌المللی نظیر جرایم علیه بشریت که حسب اظهار شاکیان در دعوای محیط زیستی، بر گروه‌های بومی و سایر افراد مؤثر واقع می‌شود، بالضروره نباید به طرفیت دولت باشد بلکه علیه شرکت‌ها نیز می‌تواند اقامه گردد. معهدا قانون دعوای شبه جرم خارجی بی‌حد و حصر نیست و بعضی قواعد حقوقی همچون اصل مرجع قضایی نامساعد یا دکترین عمل دولت در تعداد زیادی از دعوای مبتنی بر قانون مذکور که در امریکا مطرح گردیده، مورد استناد واقع شده تا قضات فدرال متوجه و مراقب باشند که تمام

لیکن در دهه‌های اخیر از سوی مجامع بین الملل تلاش‌های زیادی برای گسترش حقوق قراردادی در این زمینه صورت گرفته است. از میان این همه تلاش‌ها، کوشش‌های برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) بسیار چشمگیر بوده است. در اسناد بین الملل زیادی به مسئله مسئولیت بین الملل ناشی از خسارات زیست محیطی توجه گردیده است، از آن جمله در اعلامیه استکهلم، اعلامیه ریو، منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها و همین طور در تعدادی از معاهدات و پروتکل‌ها از آن جمله کنوانسیون بازل و پروتکل الحاقی آن.

اصولاً مسئولیت بر یکی از دو مبنای خطا یا خطر قرار دارد. مسئولیت بین الملل مبتنی بر خطا عبارت از تعهدی است که یک دولت به علت عدم اجرای تعهدات بین الملل خود در قبال دولت یا دولت‌های دیگر برای جبران خسارات وارد شده پیدا می‌کند. به عبارت دیگر مقررات مسئولیت به وقوع اعمال غیر قانونی و آثار حقوقی این اعمال مربوط می‌گردد.

البته لازم به یادآوری است که معمولاً تعهدات بین الملل یا به صورت فعل یعنی تعهد بر انجام عمل یا اعمال خاصی یا به صورت ترک فعل یعنی تعهد بر خورداری از انجام عمل یا اقدامات خاصی قرار گرفته است.

[۱۹]

اما مسئولیت بین الملل مبتنی بر خطر عبارت است از؛ مسئولیت دولت‌ها در قبال زیان‌های ناشی از اعمالی که حقوق بین الملل آنها را منع نکرده است. مبنای تمایز میان مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه (Responsibility) و مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده (liability) این است که لازمه مسئولیت نوع اول ارتکاب عملی است که حقوق بین الملل را نقض کرده باشد و حال آنکه نوع دوم به آثار زیان آور ناشی از فعالیت‌هایی که فی نفسه حقوق بین الملل را نقض نمی‌کند مربوط می‌شود. [۱۹]

در حقوق بین الملل سنتی اصولاً مسئولیت دولت‌ها فقط مبتنی بر خطا بود، یعنی فعل یا ترک فعل‌های مغایر با تعهدات بین الملل. لیکن به تدریج با توسعه و رشد تکنولوژی دولت‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که اصولاً این اعمال از نظر حقوق بین الملل ممنوع نمی‌باشند، لیکن موجب ورود خسارات فراوانی به سایر کشورها می‌گردند. برای جبران خسارات ناشی از اینگونه اعمال بتدریج مسئولیت مبتنی بر خطر نیز پذیرفته شد. در مقررات ناظر بر جلوگیری از آلودگی و حفظ محیط زیست نیز اصل مسئولیت مبتنی بر خطر پذیرفته شده است. بعنوان نمونه قواعد هلسنکی مورخ ۱۹۶۶ وظیفه جلوگیری از هر شکل جدید آلودگی آب یا هرگونه افزایش میزان فعلی آلودگی را که سبب زیان اساسی به حوزه آب‌های مشترک دولت‌ها گردد را بر عهده دولت‌های عضو می‌گذارد.

همینطور این نوع مسئولیت در ماده ۲ «طرح مواد مربوط به آلودگی دریا ناشی از قاره اروپا» مربوط به سال ۱۹۷۲ نیز دیده می‌شود. در ماده ۳ «قواعد مونترال راجع به حقوق بین الملل مجری در مورد آلودگی برون مرزی» نیز مسئولیت مبتنی بر خطر پذیرفته شده است. کنوانسیون بازل نیز مبنای مسئولیت را براساس نظریه خطر قرار داده است. بر اساس

نیرو و منابع دادگاه‌های امریکا نباید برای تعقیب و مجازات کلیه جرایم بین المللی محیط زیست مصرف شود. [۱۷]

۴-۴ ضمانت اجرای معاهدات محیط زیستی

با توجه به اهمیت روزافزون بحث محیط زیست و مسئله حفاظت از آن، موضوع مسئولیت بین الملل دولت‌ها نیز در این ارتباط از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. از آنجا که در ارتباط با محیط زیست در ابعاد و سطوح مختلف بسیاری از اعمال نباید انجام شود و برخی اعمال و اقدامات نیز الزاماً باید انجام گردد، (فعل‌ها و ترک فعل‌های مجرمانه در ارتباط با محیط زیست) مسلماً این بایدها و نبایدها فقط در صورتی مؤثر و مفید واقع خواهد گردید که همراه با نوعی ضمانت اجرا باشد. بدون تردید مقدمه و پیش شرط هر نوع ضمانت اجرای را باید پذیرش مسئولیت بین الملل برای کشور خاطی دانست. البته این امر شاید آنقدر بدیهی و مسلم به نظر برسد که در خصوص ضرورت وجود آن نیازی به بحث و گفتگو احساس نگردد، لیکن لازم به یادآوری است که متأسفانه بنا به علل مختلف مسئله مسئولیت بین الملل ناشی از خسارات زیست محیطی همانند برخی دیگر از موضوعات محیط زیستی با گذشت زمان بسیار طولانی و فراز و نشیب‌های فراوان وارد قلمرو قواعد حقوق بین الملل گردیده است. به گونه‌ای که شاید هنوز هم نتوان اذعان نمود که مبحث مسئولیت بین الملل در عرصه محیط زیست به طور کامل و کارآمد ایجاد گردیده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عین حال در سال‌های اخیر در زمینه‌های گوناگون تحولات زیادی در حوزه مسئولیت بین الملل ناشی از خسارات زیست محیطی رخ داده که جای بحث و بررسی فراوانی دارد و در جهت کارآمدتر کردن هر چه بیشتر نظام مسئولیتی در عرصه محیط زیست باید این تحولات و نوآوری‌ها بیشتر شناخته شده و مورد استفاده قرار گیرد [۱۸]

۴-۵ ضرورت توجه به جنبه‌های خسارتی در محیط زیست

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به دنبال افزایش روزافزون فرایند نابودی محیط زیست و آگاهی بشر نسبت به نیاز خود به آن برای تداوم حیات و بقا، مسئله مسئولیت بین الملل دولت‌ها در قبال خسارات زیست محیطی مطرح گردید. عمده اصول حاکم بر مبحث مسئولیت بین الملل دولت‌ها به علت خسارات زیست محیطی همان اصول سنتی حقوق بین الملل عمومی می‌باشد، که عمدتاً آنرا به یک رژیم مسئولیت غیر کارآمد، در عرصه محیط زیست تبدیل نموده است. البته وجود برخی ویژگی‌ها در موضوعات محیط زیستی نیز بر ضعف و ناتوانی رژیم مسئولیت در خصوص این موضوعات افزوده است. بعنوان مثال در میان خسارات زیست محیطی یکی از مهمترین موارد خسارات ناشی از آلودگی‌های مرز گذر می‌باشد. تعیین مسئولیت و میزان آن در این گونه آلودگی‌ها به دلیل وجود مسایلی همچون منشاء آلودگی، میزان آلودگی و از همه مهم تر مسئله اختیارات و حقوق حاکمیتی کشور محل منشاء کار چندان ساده ای نیست. از حیث مینا، ابتدا جامعه بین الملل مسئولیت حراست از محیط زیست را از رهگذر حقوق بین الملل عرفی مستقر ساخت.

تضمین رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی به معنی انکار همه جانبه کارایی سازوکارهای اداری نیست. هدف از چنین تاکیدی تلاش برای تکمیل و تاثیر هر چه بیشتر اقدامات و تصمیم‌های کارگزاران اداری در نظارت بر رعایت مقررات زیست محیطی است. زیرا چنانکه گفته شد از طرفی توسل به حقوق کیفری آخرین حربه بوده و از طرف دیگر به کار و همکاری با شرکت‌های آلاینده محیط زیست برای ایجاد و ترویج همگانی و پایدار احترام به محیط زیست و قوانین حمایتی آن نیاز مبرمی وجود دارد. در چنین شرایطی وجود قوانین کیفری و در نتیجه وجود تهدید ناشی از اعمال مجازات‌های کیفری علیه متخلفین قوانین و مقررات زیست محیطی حربه ارزشمندی در به هم زدن موازنه قدرت به نفع نهادهای اداری ناظر می باشد .

۲-۵ ضعف حقوق مسئولیت مدنی در حفاظت از محیط زیست

اشخاص در صورت وارد ساختن خسارت به دیگران باید از عهده جبران کامل خسارات وارد بر آیند. با این حال، لازم به تاکید است که مسئولیت مذکور ناظر بر خسارات غیر عمدی است که از روی بی احتیاطی، بی مبالاتی، سهل انگاری یا تصادف و اتفاق رخ داده باشند. نتیجه اینکه حقوق مسئولیت مدنی برای پاسخگویی به خساراتی که از روی عمد و یا سوءنیت به دیگران وارد می شود، مناسب نیست؛ چنین مسئولیتی غالباً به حقوق کیفری واگذار می شود. نظام حقوقی رفتارهای منتهی به چنین خساراتی (اضرارعمدی) را جزء رفتارهای ناپهنجار و مغایر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی طبقه بندی کرده و ارتکاب آنها را تحمل نکرده و با اعمال مجازات‌های مناسب کیفری پاسخ می‌دهد. در حوزه حفاظت از محیط زیست، یکی از اهداف این مجازات‌ها «فراهم ساختن فضای حمایت، اصلاح و تعدیل دوباره ارزش‌های مرتبط اجتماعی» می‌باشد که ذاتاً از عهده حقوق مدنی خارج است. زیرا این حقوق غالباً به عنوان حقوقی «اخلاقاً بی طرف» در نظر گرفته می‌شود که در آن واکنش‌ها نه برای مجازات رفتارهای ضد اجتماعی، که برای پیشگیری بعدی، توقف و جبران خسارت از زیان‌دیده صورت می‌پذیرد. این ویژگی حقوق مسئولیت مدنی در ترکیب با نظام حقوقی که در آن برخی از آلودگی‌ها، قانونی و مجاز در نظر گرفته می‌شود، قادر به ارسال پیام کافی مبنی بر غیر قابل پذیرش بودن خسارات زیست محیطی، نمی‌باشد. در حالی که حقوق کیفری دارای چنین ویژگی و کارکردی است [۲۱]

دلیل دیگر ضعف حقوق مسئولیت مدنی در حفاظت از محیط زیست، کارکرد محدود این حقوق در ارباب متولیان فعالیت‌های زیانبار برای محیط زیست و پیشگیری از خسارت‌های زیست محیطی است. محدودیت مسئولیت عامل خسارت در خسارت‌های ناشی از آلودگی نفت در دریا (برای نمونه ماده ۵ کنوانسیون بین المللی مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از آلودگی نفتی مورخ ۱۹۶۹ مسئولیت ملک کشتی را محدود به ۲۰۰۰ فرانک برای هر تن از تناژ کشتی کرده است) و آلودگی‌های هسته‌ای (Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, 1963) بارزترین مثال‌هایی هستند که در آن‌ها به روشنی مسئولیت عامل خسارت به سقف معینی محدود شده

بند سه از ماده چهار، هرگونه نقل و انتقال فضولات آلوده کننده ممنوع بوده و جرم تلقی می‌باشد. [۲۰]

۵ - ناکافی بودن سازوکارهای حقوق (مسئولیت) مدنی و حقوق اداری

حقوق کیفری زیست محیطی آن قسمت از حقوق محیط زیست محسوب می‌شود که در نهایت باید تضمین کند که افراد درگیر در فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست مقررات زیست محیطی را رعایت خواهند کرد. [۲۱]

این تعریف در واقع، در بردارنده اصل آخرین حربه است که به موجب آن حقوق کیفری آخرین روش جبرانی است. مطابق این اصل توسل به حقوق کیفری آخرین تدبیر قانونی برای حفظ ارزش‌های بنیادین است که نباید خیلی زود مورد استفاده قرار گیرد. این اصل در حقیقت به نفع وجود سازوکارهای مادون نظیر حقوق اداری و مسئولیت مدنی است که در صورت وجود و کارآمدی آنها توسل به حقوق کیفری خالی از توجیه حقوقی لازم می‌شود. مقدمه کنوانسیون اروپایی حمایت از محیط زیست از طریق حقوق کیفری، اصل حربه آخر را به رسمیت شناخته است. به موجب این کنوانسیون: «هر چند جلوگیری از تخریب محیط زیست باید ابتدا با توسل به تدابیر دیگری بدست آید ولی در این میان حقوق کیفری نقش مهمی در حمایت از محیط زیست ایفا می‌کند.»

۱-۵ عدم کفایت سازوکارهای حقوق اداری در حفاظت از محیط زیست

گرایش حقوق اداری در حفاظت از محیط زیست مبتنی بر رویکرد همکاری گرایانه با آلاینده‌های زیست محیطی است. رویکرد همکاری گرایانه همچنین بر تذکر و یادآوری قوانین و مقررات زیست محیطی به شرکت‌های آلاینده محیط زیست تاکید کرده و حتی المقدور از گزارش و سرکوب قضایی نقض های زیست محیطی اکراه دارد. [۲۱]

صلاحیت مقامات اداری به مجازات‌های اداری محدود است که در قوانین و مقررات پیش بینی شده است. حال آنکه محیط زیست جزء ارزش‌هایی است که حمایت کیفری از آن ضرورت دارد. مقامات اداری بنا به دلایل متعددی، فاقد صلاحیت لازم برای حکم به مجازات‌های کیفری هستند. از این رو توسل به حقوق کیفری و سازوکارهای آن ضرورت پیدا می‌کند. حق متهمین به جرایم زیست محیطی به مانند هر متهم دیگری بر دادرسی منصفانه و لوازم آن، امروزه جزء حقوق بنیادین و غیر قابل تعلیق بشری است که جز در سایه محاکمه اتهامات توسط دادگاهی که به موجب قانون تأسیس شده و توسط قضات مستقل اداره می‌شود، امکان پذیر نخواهد بود. همچنین رسیدگی علنی، حضور طرفین دعوا و امکان تجدید نظر از احکام صادره مراجع قضایی از دیگر لوازم حق بر دادرسی منصفانه هستند که کمتر در رسیدگی‌های اداری رعایت می‌شوند. حقوق کیفری برخلاف حقوق اداری واجد چنین صفاتی است، به نحوی که علاوه بر وظیفه پیشگیری، سرکوب و مجازات جرایم، رسالت حمایت از متهمین بی‌گناه را نیز پیگیری می‌کند. تاکید بر کاربست سازوکارهای کیفری برای

جرمی مانند آلوده کردن آب‌ها و سوزاندن جنگل‌ها و مراتع در زمره این نوع جرایم هستند که قدمت آنها مانند دیگر جرایم است. ولی جرایم ثانویه - که اغلب جرایم زیست محیطی را تشکیل می‌دهند - جرایمی هستند که از رهگذر نقض قوانین و مقررات زیست محیطی ارتکاب می‌یابند [۲۱]

جرایم مربوط به عدم رعایت قواعد و موازین قانونی در دفع زباله‌های خطرناک از شمار این دسته از جرایم به حساب می‌آیند. چنانکه مشهود است احراز ارتکاب جرم در چنین مواردی کار ساده‌ای نیست. از این رو باید پذیرفت که کارکرد اصل علم به قانون در حوزه محیط زیست اندکی متفاوت از دیگر حوزه‌های کیفری است. با این حال، داده‌های آماری حتی در میان کشورهای توسعه یافته نیز بیانگر تفاوت‌های شگرفی است.

۱-۶ میزان احتمال مجازات شدن

احتمال مجازات شدن مجرمین بستگی تامی به نظارت بر فعالیت شرکت‌های آلاینده محیط زیست دارد که زمینه را برای کشف و پیگرد متهمین فراهم خواهد کرد. نظر به نظارت ضعیف، عدم گزارش بسیاری از جرایم زیست محیطی به نهادهای قضایی، تساهل قضات نسبت به جرایم زیست محیطی، احتمال اندک مجازات شدن یکی از آسیب‌های حقوق کیفری در حوزه محیط زیست به شمار می‌رود.

۲-۶ شدت و تناسب مجازات جرایم زیست محیطی

این مقوله نیز با محور رویکردهای حاکم بر مجازات‌های زیست محیطی قابل جمع است. سنگین بودن مجازات‌ها و جدیت در اعمال مجازات‌های قانونی. واقعیت این است که حقوق کیفری زیست محیطی در هر دو حوزه دچار آسیب‌های جدی است. از طرفی چه برخی از قوانین ایران (مواد ۳۰-۳۲ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۹۷/۶/۱۶). حداکثر پنجاه هزار ریال برای متخلفین جزای نقدی) و چه قوانین بسیاری از کشورها مجازات‌های بسیار سبکی برای جرایم زیست محیطی وضع کرده اند که اعمال آنها معمولاً اثر ارعابی اندکی به دنبال دارد. جالب اینکه قضات در صدور همین مجازات‌های سبک نیز تساهل به خرج داده و از صدور حداکثر مجازات تعیین شده، پرهیز می‌کنند و از طرف دیگر چنانکه در جای دیگر این نوشته ذکر شده مقامات ناظر و اجرایی نیز در نظارت، کشف و گزارش جرایم زیست محیطی به نهادهای قضایی، از خود جدیت لازم نشان نمی‌دهند.

۳-۶ رویکرد حاکم بر مجازات‌های زیست محیطی

رویکرد حاکم بر مجازات‌های زیست محیطی از جهات مختلفی مانند اجتماعی، اقتصادی و ارعابی قابل بررسی است که در اینجا بیشتر، این رویکرد از نقطه نظر اخیر مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. هدف حقوق کیفری زیست محیطی جلوگیری از ارتکاب آن دسته از نقض‌های زیست محیطی است که قانونگذار آنها را پیشتر به عنوان جرم شناسایی و اعلام کرده است. این هدف در مقایسه با دیگر حوزه‌ها، که در آنها حقوق کیفری بیشتر با مجرمین عادی سروکار دارد، در حوزه محیط زیست دست یافتنی‌تر است زیرا اکثر جرایم زیست محیطی توسط اشخاص حقوقی و در چارچوب ساز و کارهای از پیش تعیین شده و با

است. طرح پیش نویس موسسه حقوق بین الملل در مورد مسئولیت خسارت زیست محیطی به موجب حقوق بین الملل به دقت نسبت به تبیین این رویکرد اقدام نموده است. ماده ۹ این طرح چنین مقرر می‌کند:

«مطابق با قواعد مرتبط حقوق بین الملل، برای رژیم‌های زیست محیطی مناسب است که برای غرامات ناشی از مسئولیت... مدنی حد معقولی را بپذیرند.»

بند ۲ اصل چهارم پیش نویس اصول راجع به تخصیص خسارت در صدمات فرامرزی نیز به طور ضمنی امکان پذیرش چنین «حدی» را در نظر داشته است. قسمت اخیر این بند مقرر می‌کند که «... هر شرط، حد یا استثنایی بر چنین مسئولیتی باید مطابق با پیش نویس اصل سوم باشد.»

بهر حال نتایج بدست آمده به معنی نامناسب و ناکارآمدی ذاتی ضمانت‌های مدنی نبوده، بلکه به این معنی است که این ضمانت‌ها فقط تا اندازه جبران خسارت محدود از خسارت دیدگان (خسارات انسانی) کارآمد است؛ به نحوی که با کاربست سازوکارهای آن نمی‌توان به طور موثری به حفاظت از محیط زیست و خسارات وارده بر آن امیدوار بود. این مهم با کاربست نظام حقوقی تضمین خواهد شد که علاوه بر جبران خسارات فردی به دنبال حفظ منافع و ارزش‌های جمعی است که محیط زیست یکی از بارزترین مصادیق آنها است.

۴-۶ بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی

حقوق محیط زیست چه به واسطه موضوع این حقوق و چه به واسطه هم پوشانی آن با مباحث اقتصادی - توسعه‌ای، دارای ویژگی‌هایی است که بدون در نظر داشتن آنها حقوق کیفری نمی‌تواند به رسالت خود یعنی صیانت از محیط زیست و تغییر تدریجی ارزش‌های مرتبط دست یابد. این ویژگی‌ها را می‌توان در سه محور زیر یعنی رویکرد حاکم بر مجازات‌های زیست محیطی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و جایگاه ویژه نهادهای نظارتی مورد بررسی قرار داد.

با این حال قیل از پرداختن به این مباحث، اشاره به شرایط ضروری توفیق جرم انگاری در حوزه محیط زیست ضروری است. علم به قانون، میزان احتمال مجازات شدن مجرمین و شدت و تناسب مجازات‌ها از جمله این شرایط هستند.

در مورد علم به قوانین و مقررات زیست محیطی باید تأکید داشت که برخلاف بسیاری از حوزه‌های تحت شمول حقوق جزا، که طی صدها سال در بین مردم شناخته و نهادینه شده است، حقوق محیط زیست به طور اعم و حقوق کیفری زیست محیطی به طور اخص، رشته جوانی بوده و در عین حال دارای پیچیدگی‌های منحصر به فردی است. هدف از اشاره به «پیچیدگی» نشان دادن جنس جرایم زیست محیطی است که متفاوت از دیگر جرایم است. در واقع در حوزه محیط زیست شاهد دو دسته از جرایم اولیه و ثانویه زیست محیطی (Primarily and Secondary Environmental Crime) هستیم. منظور از جرایم اولیه، جرایمی است که مستقیماً از آلوده کردن و تخریب منابع زمین ناشی می‌شود.

زیست محیطی و چه به دلیل کم اهمیت شمردن این نوع جرایم در مقایسه با جرایم سنتی، غالباً با افراد و شرکت‌های تحت نظارت خود احساس همدردی و دلسوزی می‌کنند. علت دیگر این توهم خطرناک، این واقعیت است که شرکت‌های تحت نظارت در توسعه اقتصادی کشور به طور اعم و در تأمین بخشی از رفاه شهروندان و از جمله ناظرین رعایت قوانین زیست محیطی به طور اخص سهیم هستند. درست به همین دلیل، گزارش جرایم زیست محیطی و پیگرد متهمین این جرایم به آخرین گزینه مامورین اجرای قانون در جرایم زیست محیطی تبدیل شده است که تامل جدی درباره آن ضروری می‌باشد. [۲۱]

در این خصوص تشکیل پلیس زیست محیطی، برگزاری دوره های آموزشی زیست محیطی برای ضابطین دادگستری، استفاده از قضات متخصص در حقوق محیط زیست در دعاوی زیست محیطی و اختصاص دادگاه‌های تخصصی به دعاوی مرتبط از جمله راهکارهایی هستند که باید در کنار تصویب قوانین زیست محیطی مورد توجه قرار بگیرند و گرنه صرفاً با تصویب قوانین زیست محیطی نمی‌توان به اهداف این نوع قوانین دست یافت.

نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به چند پارگی نظام حقوق بین الملل، تلاقی نظام‌های مختلف حقوقی امری اجتناب ناپذیر است. حقوق بشر و حقوق محیط زیست از جمله نظام‌های حقوقی هستند که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و دموکراسی زیست محیطی از جمله نتایج هم کنشی نظام‌های حقوقی مذکور می‌باشد. در واقع، دموکراسی زیست محیطی از جمله حقوق آئینی زیست محیطی و شامل حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و دسترسی به نظام قضایی می‌شود. این حق به شهروندان اعطا می‌گردد تا در برابر پروژه‌های صنعتی یا آثار سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی بر جامعه بتوانند اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند. حق دسترسی به دادگاه اگرچه به عنوان حق بشری در اسناد این حوزه و رویه‌ی قضایی مرتبط با آن منعکس شده است اما با تصویب کنوانسیون‌هایی در سطوح منطقه‌ای و در رأس آنها کنوانسیون آرهوس، ابعاد تخصصی به خود گرفته است و رویه‌ی قضایی به ویژه رویه‌ی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، از این حق تفسیر حداکثری نموده و وجود هرگونه مانع در نظام‌های داخلی را نقض شاخصه‌ی دسترسی به دادگاه دموکراسی زیست محیطی اعلام داشته است. از سوی دیگر برخی دولت‌ها با توجه به نظام حقوقی خود، اقدام به ایجاد مراجع قضایی و شبه قضایی برای رسیدگی به مسائل و پرونده‌های زیست محیطی نموده‌اند. این مراجع از دادگاه‌های اختصاصی زیست محیطی به عنوان عالی‌ترین نمونه تا ایجاد مراجع شبه قضایی در بدنه‌ی دستگاه‌های اجرایی متولی محیط زیست متغیر است. نکته مشترک در همه‌ی این مراجع، استفاده از افراد متخصص و آموزش دیده در حوزه محیط زیست است. همچنین با توجه به سرعت رسیدگی و هزینه کمتر، مورد اقبال شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی قرار

تصمیم قبلی که توام با محاسبه سود و زیان ناشی از جرم می‌باشد، ارتکاب می‌یابند. از این رو روشن است که در چنین فضایی قانون‌گذار با شناسایی زمینه‌های ارتکاب جرم می‌تواند از طریق اتخاذ رویکردی مناسب به اهداف پیشگیرانه مجازات‌ها (ارعاب) امیدوار باشد [۲۱]

۷- اهمیت نقش نهادهای نظارتی بر اجرای قوانین کیفری زیست محیطی

محیط زیست بر خلاف قربانیان جرایم سنتی، قربانی خاموشی است که هرگز توان دفاع از خود را ندارد. به دیگر سخن در جرایم زیست محیطی شاکی خصوصی که مستقیماً قربانی جرم بوده و در پیگرد متهم ذینفع باشد وجود ندارد. در این جرایم دو تحلیل قابل تصور است: تحلیل اول زمانی است که از رهگذر ارتکاب جرم زیست محیطی، خساراتی به اشخاص یا اموال دیگران وارد شود. امراض ناشی از آلوده کردن آب‌های شیرین یا کاهش میزان صید آبزیان در اثر تخریب محیط زیست دریایی نمونه‌هایی از جرایم هستند که در آنها به علت وجود شاکی خصوصی، محیط زیست نیز به نحو غیر مستقیم از ضمانت‌های حقوق کیفری بهره مند می‌شود.

اما در تحلیل دوم یعنی جایی که ظاهراً یا مستقیماً، آلوده کردن محیط زیست باعث خسارت به کسی نمی‌شود، شناسایی و پیگرد متهمین جرایم زیست محیطی کاملاً به وجود و عملکرد درست نهادهای نظارتی که این جرایم را به دستگاه قضایی گزارش کنند، منوط است. دفن ضایعات خطرناک در مناطق غیر مسکونی از بارزترین این دسته جرایم به شمار می‌آید که با وجود آسیب‌های جبران ناپذیر به محیط زیست مستقیماً شاکی خصوصی را به وجود نمی‌آورد. از این رو در جرایم زیست محیطی وجود نهادهای نظارتی که بر فعالیت‌های مجرمانه نظارت کرده و آنها را برای پیگرد به مقامات قضایی گزارش کنند، ضرورتی انکار ناپذیر است [۲۱]

ضرورت یادشده، در کشورهایی که در آنها حقوق کیفری نقش مولد ارزش‌های زیست محیطی یا حامی ارزش‌های در حال تولد را ایفا می‌کند، دو چندان است زیرا تنها در سایه قطعیت در اعمال سختگیرانه، فوری و واقعی مجازات‌های زیست محیطی است که می‌توان پیام واضحی مبنی بر ارزشمند بودن محیط زیست به مردم این کشورها ابلاغ نمود. اعمال چنین سیاستی، مستلزم ایجاد سازو کارهای نظارتی و قضایی جدید و پیشرفته‌ای است که با جمع‌آوری نظام مند اطلاعات زیست محیطی و به عبارت بهتر با رصد فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست ضریب اطمینان کشف و گزارش جرایم زیست محیطی را ارتقا بخشد. به دیگر سخن سازوکار سنتی «نظارت همسایگان» که غالباً در جرایم سنتی، به کشف این جرایم و پیگرد متهمین منتهی می‌شود، در جرایم زیست محیطی که غالباً پیچیده، تخصصی، شبانه و دور از دید شهروندان ارتکاب می‌شوند، کارساز نیست [۲۱]

افزون بر این، بسیاری از ناظرین اجرای قوانین زیست محیطی که اغلب همان ضابطین جرایم عمومی هستند، چه به دلیل فقدان آگاهی‌های

منابع

- [1] Arya Parsa, Aida, (2013). Environmental rights and sustainable development, Khorsandi Publications, first edition (page 56) "(Persian)"
<http://www.khorsandypub.com>
- [2] Jalalian, Askar, (2015). International environmental law, first edition, second volume, Tehran, Dadgstar Publications. "(Persian)"
<http://www.dadgostarpub.ir>
- [3] Rabbani, Hossein and Jalalian, Askar and Pournuri, Mansour, (2019). Typology of environmental crimes in the natural geography of Iran, Geographical Research Quarterly. (page, 121) "(Persian)"
<https://georesearch.ir/article-1-860-fa.html>
- [4] Kofele, Kale, Ndiva, (۲۰۰۶). The international law of responsibility for economic crimes , Ashgate publishing limited.(26 pages)
<https://www.routledge.com/The-International-Law-of-Responsibility-for-Economic-Crimes-Holding-State-Officials-Individually-Liable-for-Acts-of-Fraudulent-Enrichment/Kofele-Kale/>
- [5] Taghizadeh Ansari, Mostafa, (1376). Environmental Criminal Law, first edition, Qoms Publications. (page 35) "(Persian)"
<https://www.ghoomes.com/index.php/photos/album/11/photo/414.html>
- [6] Berta, Hernandez, Stephen, Powell, (۲۰۰۹). just trade: a new covenant linking trade and human rights, New York, NYU press.(20 pages)
<https://www.amazon.com/Just-Trade-Covenant-Linking-Rights/dp/0814736939>
- [7] Saed, Nader, Tila, Parvaneh, (2008). Collection of Laws and Regulations for Environmental Protection of Iran, Khorsandi Publications. (page 35) "(Persian)"
<http://khorsandypub.com/book/1849440/compare.html>

گرفته‌اند. در نظام حقوقی ایران اگرچه قوانین معدودی در راستای طرح دعوی در موضوعات زیست محیطی وضع گردیده اما کافی نیست ضمن آنکه مراجع صلاحیت دار دادگاه عمومی هستند نه اختصاصی. با توجه به حساسیت مسائل زیست محیطی در کشور ایران از جمله آلودگی هوا، بیابان زایی، آلودگی دریاها، خشک شدن تالاب‌ها و ... دولت ایران را ناگزیر می‌نماید تا توجه ویژه‌ای به مسائل زیست محیطی، پیشگیری از بروز آسیب‌های بیشتر و جبران خسارات ناشی از آن بنماید. با توجه به تجربه‌ی مثبت سایر کشورها و پیشینه‌ی دادگاه اختصاصی در موضوعاتی همچون خانواده، در حقوق ایران از جمله اقدامات تأثیرگذار ایجاد دادگاه اختصاصی زیست محیطی است.

با توجه به سوال اصلی مقاله حاضر که با محوریت راهکارهای حقوقی جهت جرایم زیست محیطی می‌باشد باید بگوییم که با افزایش بحران محیط زیست در قرون نوزده و بیست، قانون‌گذاران و قانون اساسی، ضوابط مختلفی را برای حفاظت محیط زیست در نظر گرفته اند و قراردادهای دو جانبه یا چندجانبه با هدف حمایت از محیط زیست و پیشگیری از وقوع جرایم محیط زیست توسط کشورهای مختلف منعقد گردیده است. بنابراین، یکی از مهمترین معضلات حقوق بین الملل محیط زیست در نظام داخلی و همچنین نظام مسوولیت بین المللی دولت‌ها، فقدان یک مرجع با صلاحیت خاص و ویژه در عرصه بین المللی می‌باشد. واقعیت امر این است که این حوزه از حقوق بین الملل، نیازمند یک نهاد مقتدر جهانی است که انگیزه حمایت از محیط زیست بین المللی را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم‌های کارآمد قضایی را در سطح جهانی افزایش دهد و بدین وسیله توسعه حقوق بین الملل محیط زیست را با صدور آراء و رویه‌های قضایی سودمند در زمینه محیط زیست و حفاظت از آن، بیش از پیش هموار ساخته و توسعه روزافزون آن را تثبیت نماید.

مشارکت نویسندگان

انجام کارهای میدانی و نگارش کلی مقاله بر عهده نویسنده سوم و پیشنهاد عنوان مقاله، بازخوانی، اصلاح و راهنمایی کلی مقاله، تأیید روایی پرسشنامه، همچنین کلیه مکاتبات بر عهده نویسنده اول مقاله بود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به‌صورت همکاری دو سویه انجام گرفت.

تعارض منافع

این مقاله بر اساس «تعارض حرفه‌ای و مالکیت فکری: ارتقای سازمانی و نظریات تخصصی شخصی اینجانب به‌عنوان نویسنده مسئول گردآوری شده است.» یا «هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

اختصارات (اختیاری)

- international law), Ch. 2, Tehran: Khorsandi. "(Persian)"
https://www.cilamag.ir/article_18173.html
- [13] Ahadi, Reza; Rastgar Mahjanabadi, Mohammad Baqer and Taghrangar, Hassan (2019), Re-examining the psychological element in crimes with absolute responsibility with an emphasis on crimes against the environment, Legal Research, 43, 71-99 "(Persian)"
https://jlr.sdil.ac.ir/article_114213.html
- [14] Saed, Nader (2008). Considerations about the perspective of comparative environmental law, by Ahmed Ali Mohsenzadeh, Nader Saed, Ali Samii, Environmental Law, Theories and Procedures, Khorsandi Publications, Tehran. (page, 51) "(Persian)"
<https://doi.org/10.63053/ijhes.11>
- [15] Zamani, Seyed Qasim, (1377). The position of Amre rule among the sources of international law, the legal journal of the International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran, 22, 17-31 (page, 76) "(Persian)"
https://www.cilamag.ir/article_18173.html
- [16] Sadeghi, Hossein and Farahani, Saeed, (2008). Environment from the perspective of religion and economy, Islamic Economy Quarterly, 10, 66-84. (page, 65) "(Persian)"
<https://ensani.ir/fa/article/30089/>
 Journal of Environment and Human Rights, 43-59 (page, 73) "(Persian)"
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/reel.12412>
- [19] Akhwan Fard, Masoud, Tashir, Mohammad Kazem, (2008). The international responsibility of the government based on the Energy Charter Treaty, International Legal Journal, 27th year, 42, 77-92. (page, 77) "(Persian)"
<https://www.mdpi.com/2075-471X/13/2/24>
- [8] Kate, Parlett, (۲۰۱۲). the individual and structural change in the international legal system, Cambridge journal of international and comparative law. (91 pages)
<https://www.cambridge.org/core/books/individual-in-the-international-legal-system/ADAE0D02367BA79B47883B68C1D995C7>
- [9] Paul, D, Anieri, (۲۰۱۱). international politics: power and purpose in global affairs , Cengage learning, Boston. (31 pages)
<https://www.amazon.com/International-Politics-Purpose-Global-Affairs/dp/1305630084>
- [10] Gregory, Robin & Trousdale, William (2009), Compensating Aboriginal Cultural Losses: An Alternative Approach to Assessing Environmental damages, Journal of Environmental Management, Vol. 90, Issue 8, pp. 2469-2479.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0301479708003885>
- [11] Abdollahi, Mohsen (2016), judicial book of environmental law, Ch. 2, Tehran: Khorsandi. "(Persian)"
https://envs.sbu.ac.ir/article_94267_17ff59a381ae64584159b365113cb61b.pdf
- [12] Ghasemi, Nasser (2016), environmental criminal law (a comparative study in national and
- [17] Jalalian, Askar, (2015). International environmental law, first edition, second volume, Tehran, Dadgstar Publications. (page, 51) "(Persian)"
https://ee.journals.pnu.ac.ir/article_4565.html?lang=en
- [18] Talai, Farhad, (2013). Examining the rights and obligations of governments in the framework of international energy law with an emphasis on the relationship between energy and development,

[20] Qavam, Mirazim, (1375). Criminal Protection of the Environment, Environmental Protection Organization. (page, 27) (Persian)

"<https://www.gisoom.com/book/1110289/>

[21] Kofele, Kale, Ndiva, (2006). The international law of responsibility for economic crimes , Ashgate publishing

limited.<https://books.google.com/books/about/The International Law of Responsibility.html?id=D9BhngEACAA>

در فایل بدون نام، این بخش حذف شود

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

Mirkazmi Mood, S.M.H., PhD student in public law, Department of Law, ZAH.C., Islamic Azad university, Zahedan, Iran

✉ seyedmohammadhossinmirkazemimood@iau.ac.ir



0009-0006-2355-8324

Jalalian, A, Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

✉ a.jalalian@pnu.ac.ir



0000-0003-4971-1543

Akbari, M, Assistant Professor, Department of Law, ZAH.C., Islamic Azad university, Zahedan, Iran

✉ drakbari@iau.ac.ir



0009-0006-6782-5809

این قسمت توسط نشریه تکمیل می‌گردد:



HOW TO CITE THIS ARTICLE



<http://doi.org/10.52547/joc.15.59.3>



<http://joc.inio.ac.ir/article-1-1823-fa.html>



<https://orcid.org/0000-0003-4971-1543>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.